

دکتر کنت متیوز، سفر پیدایش، جلسه ۴ داستان باغ، بخش ۲

کنت متیوز و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر کنت متیوز و آموزه‌های او در مورد کتاب پیدایش است. این جلسه چهارم، داستان باغ، بخش دوم، پیدایش ۲: ۴-۳: ۲۴ است.

جلسه چهارم مربوط به اتفاقات بیرون از باغ است. در جلسه سوم، بخش‌های اول و دوم، ما بر وقایع باغ، آنطور که در فصل‌های دوم و سوم پیدایش نقل شده است، تمرکز کردیم.

برای درک اهمیت آنچه در تاریخ اولین خانواده بشری رخ داده است، بهتر است آنچه را که در فصل‌های دوم و سوم به طور خلاصه می‌یابیم، دوباره مرور کنیم تا خواننده را برای درک بهتر وقایعی که در خارج از باغ عدن رخ می‌دهد، آماده کنیم. اولین چیزی که متوجه می‌شویم و برای ما مهم است، پیشگویی‌های داوری در آیات ۱۴ تا ۱۹ است. آنچه برای ما مهم است که از آن بهره ببریم این است که آنچه در این پیشگویی‌های داوری داریم، به معنای دستور، تجویزی نیست، بلکه توصیفی از آنچه در آینده رخ خواهد داد، با اشاره به نبردی که بین فرزندان مار و فرزندان زن در خواهد گرفت و در نهایت منجر به پیروزی فرزندان زن خواهد شد، است.

در دوره میانی، مبارزه‌ای مداوم وجود خواهد داشت و خواهیم دید که چگونه این مبارزه از نظر تاریخی از طریق شریانی که با امور خدا مخالفت می‌کنند و سپس صالحانی که با وعده‌های خدا و شخصیت او همسو هستند، به نتیجه خواهد رسید. دومین پیشگویی داوری مربوط به زن است و به عنوان نکته‌ای فرعی، این متن منشأ بحث‌های زیادی در مورد رابطه بین زن و مرد در کلیسا و همچنین در خانه بوده است. آنچه می‌توانیم از پیشگویی داوری در مورد زن تشخیص دهیم این است که به نوعی، او مطیع شوهرش خواهد بود.

حالا، اجازه دهید سریع بگویم که این به امور مدنی مربوط نمی‌شود. این مربوط به کلیسا و خانواده است، و اول از همه، خانواده و سپس خانواده خدا در کلیسا. اما وقتی صحبت از جامعه می‌شود، مانند نقش زنان در حکومت و تجارت و بسیاری از زمینه‌های دیگر، پزشکی، این مربوط به آن نیست.

وقتی قسمت آخر آیه ۱۶ را می‌خوانیم، دوباره می‌خواهم تکرار کنم که این توصیفی است. هیچ جایی در کتاب مقدس وجود ندارد، و وقتی در مورد رسول پولس که در مورد رابطه زن و مرد در ازدواج صحبت کرد، و همچنین در کلیسا، رابطه زن و مرد در کلیسا تأمل می‌کنید، هیچ جایی نصیحتی، دستوری به مردان برای اعمال حاکمیت بر زنان پیدا نخواهید کرد. در واقع، آنچه شما می‌بینید روند مخالف از سوی رسول پولس است، که مردان را ترغیب می‌کند که با همسران خود با عشق رفتار کنند، همانطور که در افسسیان فصل ۵ توضیح داده شده است. و در همان متن، زن باید به شوهرش احترام بگذارد.

آنچه اینجا واقعاً مهم است نظم است. نظم چیزی است که از نظر قانون خلقت درک می‌شود، همانطور که در فصل‌های ۱ و ۲ می‌بینیم. و سپس به یاد دارید که در فصل ۳، یک واژگونی، یک بی‌نظمی وجود دارد و سپس پیشگویی‌های داوری، دوباره مرتب و سازماندهی می‌شوند. خداوند عاشق ساختار سازمانی، تعادل و تقارن است، زیرا این همان چیزی است که در درون خود خدا یافت می‌شود و ما به زودی به این ایده باز خواهیم گشت.

چیزی که ما پیدا می‌کنیم، بحث‌هایی در مورد معنای میل و حکومت است. متوجه می‌شویم که این دو اصطلاح دوباره در پیدایش فصل ۴، آیه ۷ یافت می‌شوند. و دلیل اینکه من برای توضیح میل و حکومت به آن متوسل می‌شوم این است که در یک زمینه آمده است. بسیاری فکر می‌کنند که این موضوع به رابطه جنسی آنها مربوط می‌شود، با توجه به اینکه نیمه قبلی آیه ۱۶ در مورد فرزندآوری صحبت می‌کند.

با این حال، من متوجه شده‌ام که در فصل ۴، کلمات مشابهی وجود دارد که در توضیح اصطلاحاتی که در اینجا استفاده شده است بسیار مفید خواهد بود. با مراجعه به فصل ۴، آیه ۶، خداوند به قابیل گفت: «این مربوط به پذیرش قربانی و پرستش هابیل است، در حالی که رد قربانی و پیشنهاد پرستش قابیل است.» قابیل از این بابت بسیار عصبانی است و خداوند به او خطاب می‌کند: «چرا عصبانی هستی؟ چرا رویت را به پایین انداخته‌ای؟ اگر کار درست را انجام دهی، آیا پذیرفته نخواهی شد؟» و در اینجا به اهمیت آیه ۷ می‌رسیم. اگر کار درست را انجام دهی، آیا پذیرفته نخواهی شد؟ اما اگر کار درست را انجام ندهی، گناه در «کمین توسست»

سپس، در اینجا تصویری از چگونگی گناه در درگاه یک خانه وجود دارد. و اینکه حیوانی که چمباتمه زده است، و به صورت استعاره برای یک حیوان استفاده می‌شود، گناه مانند حیوانی است که در درگاه شما چمباتمه زده است. به عبارت دیگر، اگر با انجام کار اشتباه، حیوان را تحریک کنید، حیوان حمله خواهد کرد.

این تا حدودی من را به یاد سگی می‌اندازد که چیزی را از بیرون می‌شنود و سپس سگ به حرکت در می‌آید و پارس می‌کند. و این تا حدودی تصویری معاصر از چیزی است که در اینجا به تصویر کشیده شده است. بنابراین، گناه پشت در خانه شما کمین کرده است، آماده است تا به شما حمله کند.

اینجاست که زبان ما در فصل ۳ وارد عمل می‌شود. گناه، آرزوها، همان کلمه، آرزوها برای داشتن شما. به عبارت دیگر، برای کنترل شما.

حکومت کنید، اما باید بر آن تسلط داشته باشید، باید آن را کنترل NIV اما شما باید، در اینجا در متون کنید تا از عواقب خشم لجام‌گسیخته‌ای که منجر به قتل برادران، هابیل، خواهد شد، جلوگیری کنید. و البته، این همان چیزی است که در فصل ۴ اتفاق می‌افتد. بنابراین، من فکر می‌کنم آنچه در آیه ۱۶ توصیف شده است، همانطور که ما می‌گوییم، مبارزه آینده جنس‌ها خواهد بود. بین زن و شوهر در زندگی خانگی‌شان درگیری وجود خواهد داشت، و این یکی از اثرات گناهکار بودن در خانه است، که از طریق ازدواج با یکدیگر مرتبط هستند.

اما تمایلی نه برای دستور دادن، بلکه برای کنترل کردن وجود دارد. در رسیدن به نعمتی که خداوند برای مردان و زنان در نظر گرفته است، روحیه مطیع عشق، محبت متقابل و وحدت هدف وجود نخواهد داشت. به یاد داریم که در فصل ۱، آیه ۲۸، نعمت تولید مثل، وعده داده شده بود.

بنابراین در اینجا گناه، به جدی‌ترین شکل، بر نیت خدا برای وجود یک رابطه عاشقانه به جای کشمکش که توسط میل هر یک از طرفین، زن و شوهر، برای غلبه بر، یا کنترل همسر خود تداوم می‌یابد، تأثیر گذاشته است. سپس مورد دوم مربوط می‌شود، و سپس، مورد سوم در واقع، مربوط به مرد است. و در اینجا توضیحی از آنچه که بر سر شغل مرد به عنوان یک ترکیه‌کننده خواهد آمد، آورده شده است.

و اکنون او با رنجی دردناک روبرو خواهد شد، درست همانطور که زن در هنگام زایمان با رنجی دردناک روبرو می‌شود. توجه کنید که در آیه ۱۷ آمده است که زمین ملعون است. نکته قابل توجه در این روایت این است که در آیه ۱۴، نفرینی علیه مار و سپس نفرینی علیه زمین وجود دارد.

هیچ لعنتی وجود ندارد که خدا علیه زن یا مرد نازل کند. و من فکر می‌کنم پیامد این حرف این است که مرد و زن قابل رهایی هستند و طرح برکت خدا برای خانواده بشری منسوخ نشده است، یعنی هنوز در حال اجرا است و خدا گام‌های مداخله‌گر را برمی‌دارد تا اطمینان حاصل کند که این طرح در خانواده بشری که او آفریده است، محقق خواهد شد و این کار را از روی عشق خود به مردان و زنانی که منحصراً به تصویر او آفریده شده‌اند، انجام داده است. حال، آنچه در مقابل کشف خواهیم کرد این است که در فصل ۴، شما توضیحی از چگونگی داوری لعنت خدا علیه قابیل دارید زیرا او یک قاتل تصویر است.

او با کشتن برادرش هابیل، تصویر خدا را نابود کرده است. همچنین، خواهیم دید که در هر یک از این سه، وحی داوری، یک امید، یک کورسوی نور، پیروزی بر مار، زنی که مطابق با برکت مورد نظر فرزند دارد وجود دارد و سپس، اگرچه این امر توسط مرد در برابر محیط خود و کار بر روی زمین بسیار نگران کننده خواهد بود، اما بهره‌وری وجود خواهد داشت، غذایی وجود خواهد داشت که به وجود خواهد آمد. در آیه می‌بینیم که مرد، آدم، همسرش را حوا نامید زیرا او مادر همه زندگان خواهد شد، 20.

یک بازی با کلمات بین حوا، به معنای زنده، و سپس توضیح اینکه چرا او زنده نامیده می‌شود، وجود دارد و آن این است که به معنای واقعی کلمه، او مادر همه زندگان است. شما متوجه خواهید شد که این یک عمل کاملاً از جانب مرد، آدم، است، زیرا فکر می‌کنم او احساس پشیمانی و توبه عمیقی دارد، و بنابراین ایمان احیا شده‌ای را به وعده‌های خدا مبنی بر اینکه از آدم و حوا میراثی، یک خانواده از طریق تولید مثل، به وجود خواهد آمد، قرار می‌دهد. سپس شاهد روند دوم از جانب خدا خواهیم بود که با ارائه لباس‌های بسیار مناسب‌تر برای آب و هوا، لطف خود را نشان می‌دهد.

و این لباس، پوست است، جامه‌هایی از پوست، که دلالت بر یک قربانی دارد، پوستی که از یک حیوان گرفته شده است. حال، به طور خاص نمی‌گویم که در اینجا قربانی با توجه به یک حیوان وجود دارد. ممکن است به طور ضمنی به آن اشاره کند، و من فکر می‌کنم که اولین خوانندگان داستان پیدایش در زمینه دوران موسی، و برداشت آنها از نحوه پرستش خداوند، احتمالاً متوجه می‌شدند که این در عدن است، گامی که خدا برداشته است و به موجب آن قربانی برای کفاره، بخشش گناه و آشتی که از طریق قربانی جایگزین امکان‌پذیر می‌شود، انجام می‌شود.

همچنین می‌توانم بگویم که اکنون شاهد روندی از گناه، مجازات و سپس کار فعال خدا هستیم، و این همان چیزی است که فیض نامیده می‌شود، کار فعال خدا در ارائه امید و برکت مداوم از جانب خدا نسبت به کسانی که گناهکاری و در برخی موارد شرارت بسیار فاحش را تجربه کرده‌اند، امیدی وجود دارد. بنابراین می‌توانیم این سؤال را بپرسیم: وقتی صحبت از گناهی شد که در فصل ۳ مرتکب شدیم، چه چیزی از دست رفت؟ و دفعه قبل از آن به عنوان گناه اولیه، منبع گناه، صحبت کردیم که یک مرد و یک زن گناهکار هستند. این شخصیت، طبیعت، تمایل آنها در فکر و همچنین در عمل است. و البته با آن، گناه اولیه نیز می‌آید.

و من می‌گویم، البته، چون کاملاً مشخص می‌شود که مرد و زن از خدا در درختان باغ پنهان می‌شوند، که این یک پیچش کنایه‌آمیز است زیرا درختان باغ توسط خدا برای برکت و لذت آنها فراهم شده بود، و آنها در آنجا از خداوند پنهان می‌شوند. خداوند با آنها روبرو می‌شود و سؤالاتی را مطرح می‌کند تا اعتراف آنها را بگیرد. و در این میان، البته، آنها احساس شرم و گناه خود را نشان می‌دهند.

بنابراین آنها نه تنها در حال انجام یک رابطه جدید، یک رابطه شکسته با خدا بودند، بلکه ارتباط با خدا در باغ عدن اکنون از بین رفته است و آن رابطه عاشقانه که در کتاب پیدایش به آن اشاره شده است، از بین رفته است. اما سوالی که من می‌پرسم این است که آیا تصویر از بین رفته است؟ چه اتفاقی افتاد و این برای

زندگی خارج از باغ عدن چه معنایی دارد؟ خب، تصویر از بین نرفته بود. وقتی خدا مرد و زن را آفرید، وقتی بشریت را به تصویر خود آفرید، به یاد دارید که من از تصویر به عنوان شامل شخصیت صحبت کردم.

بنابراین، اگرچه آنها منبع گناه می‌شوند و فرزندان آنها نیز آن میراث گناه اولیه و تقصیر اولیه را دریافت می‌کنند، همانطور که رومیان ۵ آیات ۱۲ تا ۲۱ روشن می‌کند، خواهیم دید که آنها همچنان شخص باقی می‌مانند. آنها تحت مراقبت ویژه خدا و برنامه و هدف او برای کسانی که به تصویر خدا آفریده شده‌اند، باقی می‌مانند. اکنون شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد این تصویر در خود کتاب پیدایش از بین نرفته است.

برای مثال، در پیدایش فصل ۹، آیه ۶، می‌خوانیم: هر که خون انسان بریزد، خونسش به دست انسان ریخته شود. زیرا خدا انسان یا نوع بشر را به صورت خود آفرید. بنابراین، اگرچه این اتفاق حتی پس از روایت طوفان نوح در فصل‌های ۶ تا ۸ رخ می‌دهد، اما خدا همچنان به انسان در قالب انسان به عنوان آفریده شده به صورت خود اشاره می‌کند. اشاره دیگری در عهد جدید، یعقوب ۳ آیه ۹، وجود دارد: با زبان، پروردگار و پدر خود را ستایش می‌کنیم و با آن، انسان‌هایی را که به شباهت خدا آفریده شده‌اند، نفرین می‌کنیم.

و بنابراین، یعقوب استدلال می‌کند که زبان بسیار ناپایدار است و می‌تواند برای ستایش خداوند یا نفرین دیگران مورد استفاده قرار گیرد. و چگونه کسی جرأت می‌کند انسانی را نفرین کند، طرد کند، به او تجاوز کند و به او آسیب برساند، در حالی که آن انسان به شباهت خدا آفریده شده است؟ بنابراین، تصویر از بین نرفته است.

تصویر نابود نشده است. چیزی که فکر می‌کنم می‌خواهیم انجام دهیم این است که ببینیم چگونه در کتاب مقدس، وقتی دوباره به عهد عتیق نگاه می‌کنیم، فکر می‌کنم ایده بهتری از آنچه از دست رفته خواهیم داشت. نه تنها رابطه با خدا از بین رفته است، بلکه می‌بینیم آنچه خدا به مردان و زنان داده بود، و این افتخار و جلال بود، از دست رفته است.

و بنابراین، وقتی صحبت از تصویر می‌شود، به یاد دارید که این تصویر برای شخصیت‌های سلطنتی که شخصیت‌های حاکم هستند استفاده می‌شود. و در فصل ۱ که توضیح داده شده است که چگونه همه مردان و زنان به تصویر خدا آفریده شده‌اند، از چیزی صحبت می‌کند که من آن را دموکراتیزه کردن افتخار و جلال می‌نامم، همه در وجود خود برابرند. و این شامل جنسیت و سن نیز می‌شود.

این شامل کسانی می‌شود که مشکلات روانی یا معایب جسمی دارند. و قومیت، یعنی همه مردان و زنان صرف نظر از پیشینه، قومیت یا تحصیلاتشان. به عبارت دیگر، وقتی صحبت از خلق مردان و زنان به عنوان انسان می‌شود، واقعاً هیچ سیستم طبقاتی وجود ندارد.

حال، مهم است که در درون آن وحدت همه مردان و زنانی که به تصویر خدا آفریده شده‌اند، همانطور که اشاره کردم، تنوعی ضروری از نقش‌های جنسی مختلف، یعنی زن و مرد، وجود دارد. و ضمناً، فصل ۱، آیات ۲۷، از زبان مرد و زن در مقابل زن و شوهر استفاده می‌کند، بنابراین مرد و زن، صرف نظر از اینکه ۲۶ ازدواجی در نظر باشد یا نه، به این معنی است که هر یک از این افراد به صورت جداگانه به تصویر خدا آفریده شده‌اند.

حال، در این زمینه مفید است که تشخیص دهیم زن و مرد هر کدام نقشی حیاتی و مهم در دستیابی به برکتی که خداوند برای خانواده بشری در نظر دارد، دارند، زیرا تولید مثل و تولید مثل، در فصل ۱، آیه ۲۸، بخشی از آن برکت است. و بنابراین مرد و زن در آیات ۲۶ و ۲۷ ذکر شده‌اند و اینکه آنها، به دلیل تنوع نقششان در تولید مثل، هر دو ضروری و اساسی هستند. حال، جایی که به طور خاص به ما کمک می‌کند، تأمل چند لحظه‌ای در مورد مزمور ۸ است. مزمورنویس در مورد روایت خلقت فکر و تأمل می‌کند.

با انجام این کار، او به جلال و افتخاری که خداوند در ابتدا در باغ عدن به بشریت عطا کرد، اشاره خواهد کرد. او در مزمور ۸ عظمت، بیکرانی و شگفتی کل نظم خلقت را با هم مقایسه می‌کند و سپس از اینکه چگونه بشریت بسیار ناچیز به نظر می‌رسد، سخن می‌گوید. بنابراین، مزمورنویس در آیات ۵ تا ۸ می‌گوید، تو یعنی خدا، انسان‌ها را کمی پایین‌تر از فرشتگان آفریده‌ای.

و البته فکر می‌کنم منظور او در اینجا این است که دو حوزه را در نظر دارد. یک حوزه زمینی وجود دارد و سپس فرشتگان آسمانی هستند. و از این نظر، آیا آنها انسان‌هایی هستند که کمی پایین‌تر قرار دارند، البته همچنان از شأن و منزلت بالایی به عنوان انسان برخوردارند، اما کمی پایین‌تر از حوزه آسمانی و ملکوتی فرشتگان؟

و می‌گوید، آنها، مرد و زن، را تاجگذاری کنید. ببینید، این تکرار همان چیزی است که ما قبلاً در مورد شخصیت‌های سلطنتی، شخصیت‌های حاکم گفتیم، و اینکه گفته می‌شود مرد و زن، بخشی از برکت آیه تا حدی بر تمام خلقت تسلط خواهند داشت، زیرا آنها اقتدار مشتق شده از خدا را از او دریافت ۲۸ کرده‌اند و در برابر او پاسخگو هستند، اما در نتیجه، از سوی خدا نیز توانمند شده‌اند تا به طور مؤثر حکومت کنند. با جلال و افتخار، به ما گفته می‌شود.

بنابراین، در آیه ۶، ایشان را بر کارهای دست خود حاکم ساختی. همه چیز را زیر پای ایشان نهادی. و باز، این تصویری از یک اقتدار حاکم است که بر تاج، تخت، تاجگذاری شده و بر تخت نشسته است و در تصویری از اعمال سلطه، زیر پاها حکومت می‌کند.

آیه ۷، همه گله‌ها و رمه‌ها و حیوانات وحشی، پرنندگان آسمان و ماهیان دریا، همه کسانی که در راه دریاها شنا می‌کنند. کاملاً واضح است که این یک تأمل از طرف نویسنده مزمور برای فصل اول پیدایش است توجه کنید که نمی‌گوید تصویر. فکر می‌کنم، آن را فرض می‌کند، با فرض اینکه شما فصل اول پیدایش را می‌دانید. حال، این چیزی است که از دست رفته است.

نه تصویر، بلکه معیار والا، جایگاه والایی که خداوند برای مردان و زنان در زمان خلقت و اعطای وظیفه تولید مثل و همچنین سلطنت در نظر گرفته است. این همان چیزی بود که از دست رفته بود. وقتی به درک امکان بازیابی آنچه از دست رفته بود می‌رسیم، باید همانطور که از طریق پیدایش در ادامه کتاب مقدس درمی‌یابیم، به این نکته تکیه کنیم که این خداست که به نمایندگی از آنچه خانواده بشری در شورش خود از دست داده است، عمل می‌کند.

و این موضوع در فصل دوم کتاب عبرانیان مطرح شده است. و اگر با من به فصل دوم کتاب عبرانیان، مراجعه کنید، نویسنده عبرانیان در آنجا از مزمور ۸ برای توضیح چگونگی وجود این موجود استفاده می‌کند به وجود مترقی که به نظر من در عیسی مسیح تحقق یافته است توجه کنید. پس با من به فصل دوم کتاب عبرانیان مراجعه کنید، و ما آن را در آیه ۵ بررسی خواهیم کرد. در اینجا در فصل دوم، نویسنده عبرانیان در مورد چگونگی تحقق وعده خداوند عیسی توسط برادرانش، یعنی عیسی، صحبت می‌کند، یعنی انسان‌ها، در مقابل فرشتگانی که نتوانستند آنچه را که عیسی به عنوان یک شخص کاملاً انسانی و یک بنده کاملاً مطیع خداوند به انجام رساند، برای بشریت سقوط کرده انجام دهند. بنابراین، در آیه ۵، او جهان آینده را مطیع فرشتگان نکرده است، بلکه ما در مورد آن صحبت می‌کنیم.

اما جایی وجود دارد، و البته، در آن زمان، فصل و آیه‌ای وجود ندارد، و بنابراین وقتی صحبت از جایی می‌شود، او مزمور ۸ ما را در نظر دارد. انسان چیست که به یاد او باشی، پسر انسان، که به او اهمیت بدهی او را کمی پایین‌تر از فرشتگان قرار داده‌ای، و تاج جلال و افتخار را بر سر او گذاشته‌ای و همه چیز را زیر پای

او گذاشته‌ای. حال، تفسیر نویسنده عبرانیان این است. با قرار دادن همه چیز زیر پای او، خدا چیزی را که مطیع او نباشد، باقی نگذاشته است.

با این حال، در حال حاضر، ما همه چیز را مطیع او نمی‌بینیم، بلکه عیسی را می‌بینیم، و این بیان بسیار مهمی از سوی نویسنده عبرانیان است، اما تضاد. بنابراین در نهایت، راه حل در عیسی یافت می‌شود، که اکنون به دلیل رستخیز عیسی مسیح، کمی پایین‌تر از فرشتگان قرار گرفت. او در انسانیت خود، انسانیت رستخیز یافته، جلال و افتخار را دریافت کرده است، و این برای همه کسانی که در مسیح عیسی هستند، که زندگی او، زندگی رستخیز یافته او را دریافت و پذیرفته‌اند، احیا شده است، و با انجام این کار، خدا از طریق مسیح عیسی، دوباره جلال و افتخار خود را به اشتراک می‌گذارد.

با خواندن ادامه آیه ۹ متوجه می‌شویم که چون او مرگ را تحمل کرد، چه مشاهده شگفت‌انگیزی است که عیسی مسیح به جای اینکه به عنوان یک شخصیت حاکم ظهور کند، به دلیل تمایزش، تسلیم داوطلبانه‌اش به اراده خدا، پدرش، در تحمل مرگ، از سوی خدا پاداش گرفت، برای چه هدفی؟ تا به لطف خدا، او طعم مرگ را برای همه بچشد و پسران بسیاری را به جلال برساند، شایسته بود که خدا، که همه چیز برای او و از طریق او وجود دارد، خالق نجات آنها را از طریق رنج به کمال برساند. و در اینجا، ما اشاره روشنی به کار کفار مسیح بر روی صلیب داریم. و این همان چیزی است که در رابطه با چگونگی تبدیل آینده به بخشی از زندگی ما در مسیح عیسی در حال انجام است.

این امر با آمدن خداوند ما عیسی در ظهور دوم به کمال خواهد رسید. و در این میان، ما از ظهور لذت می‌بریم و آن را تجربه می‌کنیم. پیشنهاد پادشاهی ارائه شده است.

کسانی که پادشاهی فراهم‌شده از طریق خداوندمان عیسی مسیح را دریافت می‌کنند و وارد آن می‌شوند، در حال تکریم شدن هستند. ما در حال جلال یافتن هستیم. در دعای عیسی در یوحنا فصل ۱۷ به پدر، او از پدر دعا می‌کند تا تجلی افتخار و جلالی را که زمانی نزد پدر داشت، قبل از انسان شدن و تحمل آزمایش‌ها و مشکلات این عصر شیطانی کنونی، همانطور که پولس به آن اشاره می‌کند، به او بازگرداند.

و تمام گناهان و فساد و همه اینها از هر نظر دور عیسی می‌چرخد. و با این حال او در اطاعت خود ثابت قدم می‌ماند و کاری را که آدم اول در انجام آن شکست خورد، انجام می‌دهد. و بنابراین، آنچه ما کشف می‌کنیم، و دوباره تکرار می‌کنیم، این است که آنچه در دسترس همه ماست، کسانی که این انجیل بزرگ، این انجیل رهایی از گناهان و بردگی را می‌شنوند، و اینکه چگونه خدا زندگی خود، افتخار و جلال خود را برای ما در نظر گرفته است.

عیسی در یوحنا ۱۷ درباره شاگردانش دعا می‌کند و می‌گوید، و به شاگردان، یعنی پدر و پسر، جلال و همچنین شادی مرا که در آن سهیم هستیم، عطا فرما. بنابراین، آنچه از دست رفته است، عزت و جلال، و در حال انجام است، دوباره، نقشه نجات خداست. از آنجایی که در آیه ۲۲ از فصل ۳ می‌بینیم که آن مرد اکنون مانند یکی از ما شده است، دوباره به جمع برمی‌خوریم، جایی که خدا با اشاره به خودش به عنوان جمع صحبت می‌کند.

این مرد اکنون مانند یکی از ما شده است که خوب و بد را تشخیص می‌دهد. می‌خواهم مکث کنم و به سؤالی در مورد خدای سه‌گانه پردازم، کل این سؤال که چگونه یک خدا وجود دارد و با این حال به نظر می‌رسد که در درون خدا کثرت وجود دارد. و اگر به فصل اول پیدایش برگردیم، خواهیم دید که چگونه این موضوع در آیات ۲۶ و ۲۷ مطرح شده است.

در ۲۶ سالگی، اینطور خوانده می‌شود که بیابید بشریت را به شکل خود بسازیم. ایده جمع وجود دارد. و سپس، وقتی ۲۷ ساله می‌شویم، می‌بینیم که مفرد و جمع در کارند.

بنابراین، خدا بشریت را به صورت خود آفرید. بنابراین، ما مفرد را داریم. او بشریت را به صورت خدا آفرید.

او آنها را مرد و زن آفرید. بنابراین، در آیه ۲۶، کثرت را داریم. در آیه ۲۷، یگانگی خدا را داریم.

این موضوع در بشریت نیز نشان داده شده است، جایی که در آیه ۲۷ می‌گوید، او او را آفرید، یعنی یک بشریت واحد، و سپس تنوع، مرد و زن، آنها را آفرید. حال، بیابید کمی در مورد آنچه کتاب مقدس آموزش می‌دهد، ابتدا در متن پیدایش، تأمل کنیم. در متن پیدایش، از همان ابتدا، جمله‌ای وجود دارد که می‌گوید یک خدا وجود دارد، و با این حال کثرتی در درون خدا وجود دارد.

پیشنهاد می‌کنم دوباره به آیه ۲ نگاه کنیم و ببینیم که حداقل می‌توانیم بگوییم که شناور بودن روح خدا بر فراز آب‌ها نشان می‌دهد که روح خدا در درون وحدت واحد خدا، کثرت ایجاد می‌کند. این آیه نمی‌گوید تثلیث، اما فکر می‌کنم می‌توانیم با اطمینان بگوییم که در اینجا به کثرت اشاره شده است. حال، آیا در جای دیگری از سفر پیدایش نیز چنین است؟ زیرا مطمئناً، این موضع مسیحیان نسبت به خداست.

و در وجود او، یک وحدت وجود دارد، و همچنین در وجود او، ما کثرت شخصیت‌ها را داریم: پدر، پسر و روح القدس. اما آیا می‌توانیم چیزی در خود سفر پیدایش پیدا کنیم که بیشتر نشان‌دهنده و دلالت‌کننده‌ی کثرت باشد؟ و کاری که می‌خواهیم انجام دهیم این است که به فصل ۱۸ سفر پیدایش برگردیم، و این در زندگی ابراهیم است. و این روایت بسیار جذابی از سه بازدیدکننده است، و این در محل اردوگاه ابراهیم است.

و این سه مهمان در سفر خود می‌آیند، و همانطور که ابراهیم باید باشد، او با فراهم کردن مکانی برای استراحت و همچنین تهیه غذا، از آنها پذیرایی می‌کند. اما اگر به پیدایش ۱۸، آیه ۱ مراجعه کنید، با من همراه شوید و توجه کنید: آنگاه خداوند در نزدیکی درختان بزرگ ممری بر ابراهیم ظاهر شد، در حالی که او در گرمای روز در ورودی چادر خود نشسته بود. ابراهیم نگاه کرد و آن سه نفر را دید، همانطور که در متن آمده است، آنها مرد هستند.

وقتی از آن سه مرد صحبت می‌شود، این را در نظر داشته باشید. و سپس، به آیه ۱۰ بروید. سپس من و خداوند می‌خواهیم توجه داشته باشید که احتمالاً منظور از خداوند در اینجا یهوه است.

من مطمئناً سال آینده تقریباً در همین زمان نزد تو باز خواهم گشت و سارا، همسر تو، پسری خواهد داشت. بنابراین، یکی از آن سه مرد، در واقع، خداوند خداست. توجه کنید که در آیه ۱۳ آمده است سپس خداوند، اکنون این قطعاً نام الهی یهوه است. «خداوند به ابراهیم گفت، بنابراین دوباره، یکی از آن سه مرد صحبت می‌کند و روایت، یکی از آن سه مرد را به عنوان خداوند معرفی می‌کند.

بیابید دوباره به آیه ۱۶ نگاه کنیم. وقتی مردان بلند شدند تا بروند، آیه ۱۷، آنگاه خداوند گفت: «این رفت و آمد را می‌بینی، رفت و آمد نشان می‌دهد که ظاهر آنها طوری است که انگار مرد هستند. اما در واقع، آنها «مرد نیستند».

آنها انسان نیستند، بلکه همانطور که خواهیم دید، خدا و فرشته هستند. به فصل ۱۹ توجه کنید، جایی که از دو فرشته صحبت می‌کند. بنابراین، یک کثرت وجود دارد، سه نفر، که به صورت انسان ظاهر می‌شوند. اما به صورت انسان تجسم نمی‌یابند.

نه آنچه در مورد خداوند عیسی مسیح می‌بینیم، که نه تنها به صورت یک انسان ظاهر شد، بلکه کاملاً و به طور کامل به یک انسان تبدیل شد. و ما خداوند را داریم، و سپس دو فرشته داریم که آنها نیز به صورت انسان به نظر می‌رسند. بنابراین، در پیدایش فصل ۱۸، نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه وحدت خدا شامل رازی از تنوع خدا نیز می‌شود.

این می‌تواند در توضیح آنچه در خود آفرینش این روایت اتفاق می‌افتد، مفید باشد. حال، اگر ما خدا و روح‌القدس را داریم، در مورد عیسی مسیح چه می‌گوییم؟ آیا نشانه‌ای داریم که عیسی مسیح در روایت آفرینش دخیل باشد؟ خب، ما تعجب نمی‌کنیم که نام او در روایت پیدایش یافت نمی‌شود. بلکه آنچه ما می‌یابیم نقش اوست زیرا یک مرحله میانی در نظارت خدا بر آفرینش وجود دارد.

و این واسطه‌گری خدا از طریق کلام است. وقتی صحبت از عیسی مسیح می‌شود، در عهد جدید توضیحی در این مورد داریم. دو متن به طور خاص وجود دارد که از حضور پسر خدا که در کلام خلاق در خلقت دخیل بوده است، صحبت می‌کند.

و آیات ۱ تا ۵ یوحنا، باب اول، به وضوح بازتابی از آن چیزی است که ما در خلقت می‌یابیم، همانطور که یوحنا، نویسنده انجیل، در مورد هویت عیسی تأمل می‌کند. بنابراین، فقط کافی است آن فصل اول را بخوانید. تا به طور فزاینده‌ای، بدون هیچ‌گونه تردیدی، روشن شود که او از عیسی به عنوان کلمه صحبت می‌کند. در ابتدا کلمه بود و کلمه با خدا بود.

و سپس می‌گوید، و کلمه خدا بود. بنابراین، نمی‌گوید که او خدا شد، بلکه می‌گوید که او در وجود خود، به عنوان الهی شناخته شد. او در ابتدا با خدا بود.

به واسطه او همه چیز آفریده شد، و بدون او هیچ چیز آفریده نشد. و او حیات بود، و آن حیات نور همه بشر بود. نور در تاریکی می‌درخشید، و تاریکی بر آن غلبه نکرده است.

و سپس در کولسیان ۱ آیه ۱۵، پسر، تصویر خدای نادیده، رئیس، نخست‌زاده بر تمام آفرینش است. زبان نخست‌زاده، زبان حقوقی است، نه زبان بیولوژیکی. همانطور که می‌دانید، رسم نخست‌زاده در زندگی عبری وجود دارد که در آن نخست‌زاده جانشین پدرش است.

و بنابراین نخست‌زاده به این معنی است که او در واقع نقش پدر را ایفا می‌کند که به عنوان نخست‌زاده آنچه را که پدر به او عطا می‌کند، به ارث می‌برد. زیرا در او، آیه ۱۶، همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و بر زمین است، دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها، چه تخت‌ها و چه قدرت‌ها، چه فرمانروایان و چه اولیای امور، همه چیز به وسیله او و به طور چشمگیری برای او آفریده شده است. او قبل از همه چیز است و در او، همه چیز به هم پیوند می‌خورد.

بنابراین، می‌توانیم از این دو آیه نتیجه بگیریم که عیسی مسیح به همان اندازه پدر و روح‌القدس در خلقت نقش داشته است. می‌خواهم قبل از اینکه به زندگی خارج از باغ پردازیم، نشان دهم که چرا این موضوع در درک ما بسیار مهم است. و این زمانی است که به تفاوت بین شرک، که مشخصه خدایان و الهه‌های خاور نزدیک باستان است، و آنچه که متون مقدس عبری در عهد جدید ادامه می‌دهند و تأیید می‌کنند، می‌رسیم. که در درون خدا شما اشخاصی دارید.

و بنابراین، این به این معنی است که اگر به ادیان امروزی مراجعه کنید، خدا، حتی اگر چندخدایی نباشد، یک شخص واحد است. هیچ شخص دیگری برای عشق ورزیدن به خدا وجود ندارد. عشق پس از خلقت می‌آید.

بنابراین، در خاور نزدیک باستان، شرک، نمایشی خام از تخیل انسان است. وقتی صحبت از ادیان، مثلاً اسلام، می‌شود، فقط یک نفر وجود دارد که او باید خلق کند تا عشق خود را به مخلوقش نشان دهد. اما در درون خدا، شما عشقی ابدی، کامل، بی‌نقص و تمام‌عیار بین پدر، پسر و روح‌القدس دارید.

بگذارید در مورد این موضوع در اول یوحنا ۴، آیه ۸ تأمل کنم. هر که محبت نمی‌کند، خدا را نمی‌شناسد زیرا خدا با محبت توصیف می‌شود. خدا عاشق است و عیسی مسیح معشوق است، او گیرنده خداست. خدا اینگونه محبت خود را در میان ما نشان داد.

به عبارت دیگر، در ایمان مسیحی، ما از عشق و دانش به صورت انتزاعی، فقط از نظر فکر و ایده، صحبت نمی‌کنیم، بلکه آن عشق را به صورت بسیار عملی و ملموس بیان می‌کنیم. بنابراین، اگر بخواهیم بگوییم، این عشقی که خدا به طور خاص نشان می‌دهد چیست؟ اینگونه است که خدا عشق خود را در میان ما نشان داد. او پسر خود، پسر یگانه، را به جهان فرستاد تا ما بتوانیم از طریق او زندگی کنیم.

این عشق است. نه اینکه ما عشق را برانگیخته باشیم، بلکه او، خدا، ما را دوست داشت و پسرش را به عنوان قربانی کفاره گناهان ما فرستاد. بنابراین، عشق خدا از چنان ماهیتی برخوردار است که سرشار است. برون‌گرا است، به درون خود او معطوف است، عشقی کامل و بی‌نقص.

و شخصیت خدا، ذات او، آنجاست. این ممکن است یک جریان رو به بیرون باشد. و این توسط روح درون خداست که همه را به هم پیوند می‌دهد. می‌توانید او را به عنوان رابط در نظر بگیرید. من در گفتن خود عشق تردید دارم، زیرا وقتی او یک شخص است، این مانند یک عشق به نظر می‌رسد.

اما با در نظر گرفتن این موضوع، ما خدای پدر را داریم که عاشق است، عیسی مسیح را داریم که عشق را دریافت می‌کند، معشوق است، و توسط روح که عشق می‌ورزد، هماهنگی کامل، عشق خدا، را گرد هم می‌آورد. پس عشق خدا است که خدا را به آفرینش ترغیب کرد. و این هدف و برنامه‌ای است که خدا برای بشریت دارد، به دلیل خیرخواهی‌اش نسبت به مخلوقاتش و عشقش.

و او به روش‌های قادر مطلق و قدرتمند خود عمل خواهد کرد تا اطمینان حاصل کند که رابطه عاشقانه به طور کامل و تمام و کمال احیا خواهد شد. و این تنها از طریق تحریک، آغاز عشق از جانب خود خدا می‌تواند انجام شود. و از طریق معشوق، از طریق پسرش، عیسی مسیح، آن آشتی عاشقانه از طرف ما انجام می‌شود.

در جلسه بعدی، به تفکر در مورد زندگی خارج از باغ ادامه خواهیم داد.

این دکتر کنت متیوز و آموزه‌های او در مورد کتاب پیدایش است. این جلسه ۴، داستان باغ، بخش ۲، پیدایش ۲: ۴-۳: ۲۴ است.